

# واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به منظور استنتاج دلالت‌های آن در اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی

مصطفی زبان‌دان<sup>۱</sup> © دکتر محمدحسن میرزا محمدی<sup>۲</sup> © دکتر محسن فرمهینی فراهانی<sup>۲</sup>

## چکیده:

هدف پژوهش حاضر واکاوی اخلاق در متامدرنیسم، به منظور استنتاج دلالت‌های آن در اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی است. روش تحقیق اسنادی است که برای ارائه یک مرور نظام‌مند و گردآوری نظریات اخلاقی صاحب‌نظران متامدرنیسم، از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده نیز بهره‌گیری شده است. بنابراین، نخست با به‌کارگیری روش پژوهش اسنادی، به واکاوی اخلاق در متامدرنیسم پرداخته شده، سپس با استفاده از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده به استخراج دلالت‌های تربیت اخلاقی متامدرن، شامل اهداف، اصول و روش‌ها پرداخته شده است. همچنین، برای اخلاق در متامدرنیسم، شش ویژگی ترکیبی بودن، ساختاری و مرحله‌ای بودن، متنوع و متفاوت حول یک مرکز مشترک بودن، فعال‌کننده نقش سلسله‌مراتب اخلاقی، اصالت اخلاقی داشتن و گرایش به محبت و مراقبت داشتن به‌عنوان یافته‌های پژوهش مطرح شده است. این پژوهش به‌منزله نتیجه، هدف غائی رویکرد تربیت اخلاقی در متامدرنیسم را پرورش انسانی تلاشگر در فضای انزوای پست مدرن در نظر گرفته است که علاوه بر هشت هدف واسطی، هشت اصل و هفت روش تربیت اخلاقی را شامل می‌شود. مؤلفه‌هایی همچون تناسب اخلاقی، ساخت معنا، اصالت - محوری، همدلی، صمیمیت فناورانه، توسعه مرحله‌ای، دلخوشی احتمالی و روایت‌های بزرگ به‌عنوان اصول رویکرد تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مطرح شده است. همچنین از ترکیب، نسل‌نویسی، همکاری، حضور شناسنامه‌ای، تاریخ‌نگری، بیان تناقض و امید و خوش‌بینی، به‌منزله روش‌های تربیت اخلاقی متامدرن نام برده شده است.

**کلیدواژگان:** متامدرنیسم، اخلاق، تربیت اخلاقی، اهداف تربیتی، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۵

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۳

*این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.*

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: mirzamohammadi@shahed.ac.ir

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

## مقدمه

منطقه‌های فکری جدید در عصر هزاره سوم به دو گرایش تقسیم شده‌اند. گروه اول به ادامه دوران پست مدرن<sup>۱</sup> در قالب رویکردی جدید معتقدند و گروه دوم به خروج از دوران پست مدرن و ظهور دورانی جدید تمایل دارند (آلن<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). متامدرنیسم<sup>۳</sup> که ورمولن و ون دن آکر<sup>۴</sup> در اواخر دهه اول هزاره سوم برابر با سال ۲۰۱۰ میلادی آن را صورت‌بندی کردند، به ادامه دوران پست مدرن در قالب رویکردی جدید باور دارد. بنابراین متامدرنیسم نویدبخش یک دوران جدید بعد از پست مدرن نیست، بلکه دورانی جدید، درون پست مدرن است که با ویژگی‌های متفاوتی شناخته می‌شود (همان). متامدرنیسم ساختاری از احساس است که در جهت قطب‌های بیشماری میان مدرنیسم و پست مدرنیسم، مانند یک آونگ<sup>۵</sup> در حال چرخش، در نوسان<sup>۶</sup> است (کونز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴). در واقع ظهور مجدد برخی از ویژگی‌های هنرهای تجسمی مدرنیستی در هنرهای تجسمی دوران پست مدرن، ایده ظهور یک ساختار احساس را فراهم کرده است. احساس تمایل به استفاده از برخی ویژگی‌های مدرنیستی در هنر تجسمی پست مدرن، خلق آثاری بدیع را به همراه داشت که دارای ویژگی‌های مدرن و پست مدرن به‌طور همزمان بود. این ایده برای اندیشمندان جوان هلندی یعنی ورمولن و ون دن آکر، سر آغاز خلق منطق فرهنگی متامدرنیسم شد. ورمولن و ون دن آکر در بیان مبانی فلسفی متامدرنیسم بیان می‌کنند که متامدرنیسم در هستی‌شناسی میان مدرن و پست مدرن در نوسان است و در معرفت‌شناسی همراه با پست مدرن است (ورمولن و ون دن آکر، ۲۰۱۰). همچنین، ورمولن و آکر با اخذ «متا» بر پایه مفهوم افلاطونی متاکسی<sup>۸</sup> نقطه تمایز متامدرنیسم با مدرن و پست مدرن را مشخص می‌کنند، چرا که اگر تعلق خاطر مدرنیسم بر آرمان‌شهرگرایی<sup>۹</sup> و پست مدرنیسم در انکار این آرمان‌شهرگرایی باشد، تعلق متامدرنیسم بر قاعده متاکسی استوار است (ورمولن و ون دن آکر، ۲۰۱۰: ۱۲). پس از اینکه ورمولن و آکر متامدرنیسم را به‌عنوان یک ساختار احساس اعلام کردند، روند تحول و گسترش مفهوم متامدرنیسم متوقف نشد و اندیشمندان دیگری همچون لوک ترنر<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱)، ست‌آبرامسون<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) و هانزی فریناخت<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۷) بر وسعت مفهومی متامدرنیسم افزودند. این توسعه مفهوم متامدرنیسم به عرصه‌های گوناگون کشیده شد و پس از متأثر کردن هنر، به عرصه سیاست و عرصه تعلیم و تربیت هم نفوذ کرد. متامدرنیسم هنوز در حال گسترش است و از آن جا که متامدرنیسم را همچون

1. Postmodern
2. Allen
3. Metamodernism
4. Vermeulen & van den Akker
5. Pendulum
6. Oscillation
7. Kunze
8. Metaxis
9. Utopianism
10. Luke Turner
11. Seth Abramson
12. Hanzi Freinacht

قایقی متحرک در نظر گرفته‌اند که در حال تعمیر است (دومیترسکو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده، عرصه‌های دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. جدید بودن متامدرنیسم و عدم آگاهی کافی از کیفیت آن، در محافل داخلی و خارجی، عامل جذب پژوهشگران این پژوهش، برای پژوهش در این زمینه شده است. علاوه بر این با مرور نظام‌مند اسناد موجود، مرتبط و در دسترس متامدرنیسم، این نتیجه به دست آمده که هنوز پژوهش‌های کافی در عرصه‌های گوناگون متامدرنیسم در محافل داخلی، رواج پیدا نکرده است. باتوجه به اراده پژوهشگران برای پژوهش در زمینه تعلیم و تربیت و با مطالعات گسترده صورت گرفته، مشخص شد که نقطه اشتراک منطقی‌های فکری هزاره سوم<sup>۲</sup> اخلاق است (آلن، ۲۰۲۱). زیرا این منطقی‌های فکری، برای گذر از مشکلات و مسائل به وجود آمده جدید در عرصه جهانی، همگی درصد تغییر اخلاقیات دوران پست‌مدرن‌اند تا بتوانند از این طریق بر مشکلات به وجود آمده، چیره شوند. بنابراین با این فرض که متامدرنیسم دارای یک رویکرد اخلاقی<sup>۳</sup> است، پژوهشگران به موضوع تربیت اخلاقی در متامدرنیسم ورود کردند. به باور پژوهشگران حاضر، در تناسب و ارتباط این موضوع با نظام تعلیم و تربیت ایران، باتوجه به اثبات نفوذ اصول مدرنیته در آموزش و پرورش کشور ایران (آهنچیان و طاهرپور، ۱۳۹۰) و عدم موفقیت در تلاش برای تقابل با این اصول از طریق بومی‌سازی آن، با توجه به وضعیت نامناسب موجود در آموزش و پرورش در ایران، می‌توان از ظرفیت منطقی فکری متامدرنیسم و رویکرد تربیت اخلاقی آن برای چیره شدن بر نابسامانی‌های موجود آموزش و پرورش بهره جست. همچنین تجربه موفق کشورهای اسکاندیناوی در به کارگیری رویکرد متامدرن برای پیشرفت تحصیلی (کیلیچ اوغلو و کیلیچ اوغلو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹)، می‌تواند در کارشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت ایران، انگیزه‌ای برای بررسی رویکرد اخلاقی متامدرن ایجاد کند.

جستجو در پیشینه متامدرنیسم، در ورود به مفاهیم اخلاقی، نشان‌دهنده ارائه مقالاتی معدود و محدود، برای اخلاق در متامدرن است. مثلاً در مقاله‌ای با عنوان «متامدرنیسم و اخلاق» به بیان تفاوت جهان‌شمولی هسته اخلاق در متامدرنیسم و ویژگی‌های آن پرداخته شده است (کمپلین<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). همچنین در مقاله دیگری رویکرد متامدرنیسم به اخلاق در برابر رویکرد آزادیخواهانه به اخلاق به بحث کشیده شده است تا رویکرد اخلاقی متامدرنیسم و چگونگی پیشگیری این رویکرد از کشیده شدن جامعه به سمت یک اجتماع استبدادی شرح داده شود (پیترسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). همچنین مرور نظام‌مند در مورد رویکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، نشان می‌دهد که تا به حال هیچ‌گونه پژوهشی شامل واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به منظور استنتاج دلالت‌های آن در اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی صورت نگرفته است. بنابراین

1. Dumitrescu
2. Intellectual logics of the third millennium
3. Ethical approach
4. Kılıçoğlu, G. & Kılıçoğlu, D. Y.
5. Camplin
6. Peterson

باتوجه به نتایجی که از مرور نظام‌مند به دست آمد و مباحث و دلایلی که مطرح شد، پژوهشگران، برای ارائه اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در متامدرنیسم، واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به منظور استنتاج دلالتهای آن در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی را به منزله مسئله پژوهش برگزیده‌اند. به این منظور یافته‌های این پژوهش تحت سئوالات دوگانه زیر، صورت‌بندی می‌شود.

۱. ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چیست؟

۲. چه استنتاجهایی در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی متامدرن می‌توان به دست آورد؟

## ■ روش پژوهش

از آن‌جا که این پژوهش در پی واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به منظور استنتاج دلالتهای تربیتی آن در اهداف، اصول و روشهاست، بنابراین از نظر هدف، بنیادی و کاربردی است و از نظر ماهیت دارای رویکرد کیفی است. در این پژوهش برای پاسخ به سؤال اول از روش تحقیق تحلیل اسنادی استفاده شده است به گونه‌ای که با این روش به گردآوری نظریات اخلاقی صاحب‌نظران متامدرنیسم پرداخته شده است. برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده یا لمی، برای استخراج دلالتهای تربیت اخلاقی متامدرن شامل اهداف، اصول و روشها از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی بهره‌گیری شده است. در این روش، پیش از پرداختن به تعلیم و تربیت، ابتدا مبانی نظری آن از منابع اخذ می‌شود، سپس اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت براساس این مبانی سامان می‌یابند. به عبارت دیگر، پیش‌فرض اساسی این رویکرد این است که میان دیدگاههای بنیادین وجودشناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی هر مکتب با مواضع و دیدگاههای تربیتی مآخوذ و مستنتج از آن، رابطه‌ای منطقی و ضروری وجود دارد (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۶). لذا برای استفاده از رویکرد پیش‌رونده در این روش، نخست باید دیدگاهها و مواضع فلسفه متامدرنیسم را در زمینه اخلاق باتوجه به ساحت‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی با توجه به منابع موجود، مرتبط و در دسترس مشخص کرد، آنگاه با روش عقلی و از طریق استنتاج، مبانی نظری، اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی آن را با توجه به ساحت‌های سه‌گانه ذکر شده استخراج کرد.

## ■ یافته‌ها

### ◎ ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چیست؟

۱. ترکیبی بودن<sup>۱</sup>: وقتی در فضای فلسفی هزاره سوم بوربو در آلترمدرنیسم<sup>۲</sup> بیان می‌کند که ما «خارج از دوره پست‌مدرن و مدل چندفرهنگی وابسته به آن در آستانه یک جهش به عصر جدید

1. Combination  
2. Altermodernism

قرار گرفته‌ایم» که «ترکیبی میان مدرنیسم و پسامدرنیسم» را آشکار می‌کند (بوریاو، ۲۰۰۹: ۲) و همچنین نیالن<sup>۲</sup> هم پیرامون پست‌مدرنیسم<sup>۳</sup> در زیرنویس کتاب خود مشخص می‌کند که رویکرد خود را از فردریک جیمسون<sup>۴</sup> اخذ کرده است تا نشان دهد که نیروهای اقتصادی و فرهنگی درهم تنیده شده‌اند (نیالن، ۲۰۱۲: ۲۶) و یا هنگامی که مورارو<sup>۵</sup> در کیهان مدرن<sup>۶</sup> بیان می‌کند که در این سطح تخیلی فرهنگی، روابط با دیگران (در اینجا به معنای فرهنگ‌های دیگر) به خلاف تحمیل یک فرهنگ مسلط مدرن و پست‌مدرن، در یک «فرایند شکل‌بخشی دوجانبه» به‌عنوان شکل‌دهنده توسعه فرهنگی تلقی می‌شود (مورارو، ۲۰۱۱: ۵۰) و علاوه بر این وقتی که لیپووتسکی<sup>۷</sup> در هایپرمدرنیسم<sup>۸</sup> معتقد است که «از دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه دهه ۱۹۹۰، «نسل دوم حضورگرایی» ظهور کرد که مبتنی بر جهانی‌سازی نئولیبرالی<sup>۹</sup> و انقلاب فناوری اطلاعات بود» (لیپووتسکی و چارلز، ۲۰۰۵: ۳۸) و سرانجام آنگاه که ورمولن و ون‌دن‌آکر (۲۰۱۰) در متامدرنیسم دوران جدید را در قالب ترکیب دوران دوگانه مدرن و پست‌مدرن مطرح می‌کنند، همگی اثبات‌کننده رویکرد ترکیبی این منطق‌های فرهنگی است. بنابراین همانگونه که این رویکردهای هزاره سوم در برخورداری از رویکرد اخلاقی فصل مشترک دارند همگی از کلیدواژگان ترکیب هم برخوردارند. پس بدون شک رویکردهای اخلاقی هزاره سوم غالباً جنبه ترکیبی دارند. اما با همه این اوصاف، از آن‌جا که متامدرنیسم در تفکر اندیشمندان متامدرنیست تفسیرهای مختلفی پیدا کرده است، گمان بر این است که ساختار رویکرد اخلاقی حاصل از این تفاسیر متعدد، متنوع و مختلف خواهد بود.

**۲. ساختاری و مرحله‌ای بودن:** متامدرن، احساسی<sup>۱۰</sup> است که بیان می‌کند، تمام تجربه بشریت برای پیشرفت مورد نیاز است و نباید در صدد رد کردن و باطل کردن باشیم. بلکه باید برای ادامه پیشرفت از هر آنچه مانع پیشرفت می‌شود به‌واسطه نوسان عبور کنیم چراکه همان مانع، ممکن است در موقعیتی دیگر خود عاملی برای پیشرفت باشد. در واقع متامدرنیسم در خود از روحیه عملگرایی<sup>۱۱</sup> نیز برخوردار است (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰) چرا که به‌نفع پیشرفت<sup>۱۲</sup> و به‌دست آوردن سود عمل می‌کند. متامدرنیسم با برخورداری از این ویژگی در مقابل تخریب پست‌مدرن از سنتها و مدرنیسم، به بازنگری مسیر طی شده از مدرن تا پست‌مدرن می‌پردازد و مسیر را به‌گونه‌ای اصلاح می‌کند

1. Bourriaud
2. Nealon
3. Post-postmodernism
4. Frederic Jameson
5. Moraru
6. Cosmodernism
7. Lipovetsky & Charles
8. Hypermodernism
9. Neoliberal globalization
10. Feeling
11. Pragmatism
12. Progress

که ساختاری رها شده از نقدپست مدرن به دست آید. بنابراین در مباحث اخلاقی در فضای متامدرن حضور ساختارهای مدرن گونه به شکلی اصلاح شده و موثر به چشم می خورد. از این رو ویژگی تعیین کننده و مهم ترین جنبه متامدرن تفکر «گویی»<sup>۱</sup> است. همچنین متامدرنیستها برای رشد و توسعه مرحله‌ای<sup>۲</sup> ارزش قائل می شوند در حالی که پست مدرنیستها به سبب ارزشهای پست مدرنیستی همه چیز را نقد و تخریب می کنند، به گونه‌ای که ظلم و ستم را با سیستم سازی مترادف می بینند (فریناخت، ۲۰۱۹).

در متامدرنیسم پس از ساختار شکنی باید به بازسازی پرداخته شود و همچنین از کثرت<sup>۳</sup> دیدگاهها گذشته از نام بردن و توصیف آنها باید به مقایسه آنها با هم پرداخته شود تا مشخص شود که آیا طبق روال همیشگی و وجود تفاوت های رشدی، با توجه به فضای فرهنگی موجود، ارزشهای این دیدگاه غیر منطقی جلوه می کند و به سبب فشار وارد شده تخریب و به فرهنگ دیگری تبدیل می شود؟ (فریناخت، ۲۰۱۹). مثلاً هانزی فریناخت در کتاب جامعه شنوا<sup>۴</sup> بیان می کند که انسانها به این دلیل از اعتقادات شرک آلود به جهان بینی توحیدی، اسطوره‌های<sup>۵</sup> - روشنفکری رو می آورند که ابتدا فهم و درک وجود یک حقیقت عالی آنها را به این نتیجه می رساند که فقط یک حقیقت عالی می تواند وجود داشته باشد، به گونه‌ای که این حقیقت عالی آنها را به سمت باور به خداوند به عنوان بالاترین حقیقت اخلاقی می برد. اما همین انسان ابتدا با انقلاب علمی و سپس با روشنگری تحت عنوان مدرنیته<sup>۶</sup>، سرچشمه گیری اعتقاد به آن حقیقت جهانی را به دلیل عدم اعتقاد به مکاشفه خاص فردی، رد می کند و از توان تأیید و بررسی آن حقیقت از سوی همه مردم سخن به میان می آورد (فریناخت، ۲۰۱۷). بنابراین چیزی به جز این، نمی تواند بالاترین حقیقت محسوب شود و این سبب تخریب اعتقادات مرحله پیشین می شود. این نوع تفکر در نظامهای ارزشی پست مدرن چندان رایج نیست ولی متامدرنیستها از کثرت این دیدگاهها به مقایسه آنها و دیدن مسیر رشد و توسعه آنها می پردازند. در نتیجه این توسعه مرحله‌ای حس تنفر از دیدگاههای دیگر به معیارهایی هم‌ردیف وزن، قد یا هوش یک فرد تبدیل می شود تا از این طریق بتوان آن را مورد محاسبه و اندازه گیری قرار داد، چرا که یک توسعه روانی و فرهنگی پدیدار شده است که تکامل فرهنگها و مغزها را به همراه داشته است.

**۲. متنوع و متفاوت حول یک مرکز مشترک بودن:** در بحث اخلاق اگر چه مدرنیسم جهانی بودن را می پذیرفت و پست مدرنیسم جهانی بودن را به نفع جوامع گفتمانی رد می کرد، ولی متامدرنیسم

1. "As-if" thinking
2. Staged growth and development
3. Plurality
4. The Listening Society
5. Mythical
6. Modernity

با اتکا به توان ما در به رسمیت شناختن یک نظام اخلاقی متفاوت در یک فرهنگ دیگر، معتقد است که پایه‌ای برای اخلاق وجود دارد که به اندازه کافی سبب شباهت و برقراری ارتباط اخلاق ما با یکدیگر می‌شود و به دلیل وجود این تفاوتها، زندگی ما در جوامع گفتمانی مختلف است. مثلاً جامعه‌شناسی متامدرنیستی<sup>۱</sup> توضیحات روان‌شناسی تکاملی دینامیکی<sup>۲</sup> را معتبر می‌داند، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه تنوع می‌تواند از یک طبیعت انسانی مشترک ناشی شود (کمپلین، ۲۰۲۰). البته شایان ذکر است که جهان‌شمولی متامدرنیسم با جهان‌شمولی<sup>۳</sup> مدرنیسم متفاوت است و نباید این دو را یکسان تلقی کرد. جهان‌گرایی مدرنیستی از هسته ثابتی برخوردار است به گونه‌ای که برای اخلاقی و انسانی‌تر بودن، همه باید به سمت آن هسته حرکت کنند ولی، جهان‌شمولی متامدرنیستی دارای مرکز غایبی است که ما را به ایجاد جوامع گفتمانی ترغیب می‌کند که در آن تغییرات در یک الگوی پیچیده ظاهر می‌شوند. به این معنا که مدرنیسم جاذبه‌ای ساده است که همه را به یک سمت می‌کشاند. ولی متامدرنیسم دارای جاذبه عجیبی است که نوسانات نامنظم، تنوع و تفاوت بیشتر ایجاد می‌کند، اما پیرامون مرکزی که هرگز نمی‌توان به آن دست یافت و ظهور آن در بیرون از خود سیستم قابل درک نیست. این حاکی از وجود یک تفاوت بزرگ میان این دوست - تفاوتی که نمی‌توانست بدون نقد پست مدرن از مدرنیسم پدیدار شود (کمپلین، ۲۰۲۰).

**۴. فعال‌کننده نقش سلسله‌مراتب اخلاقی<sup>۴</sup>:** بازگشت سلسله‌مراتب از ویژگی‌های اساسی تفکر متامدرن است. سلسله‌مراتب در همه‌جا حضور دارد. یک هواپیما از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک ماشین است، یک ماشین از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک دوچرخه است، یک دوچرخه از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک اسکیت‌بورد است. این سلسله‌مراتبی است که با توجه به پیچیدگی فیزیکی آن، تقریباً هیچکس اعتبار آن را انکار نمی‌کند. ولی بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی، همچون پست‌مدرنیستها از ساختارشکنی سلسله‌مراتبی حمایت می‌کنند که اعتبار اخلاقی با آن سنجیده می‌شود (دامیکو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). در نتیجه، پست‌مدرنیستها نمی‌توانند نسبت به بهتر بودن عشق از نفرت یا صلح از نزاع تصمیمی اتخاذ کنند. بنابراین هدف متامدرنیسم فعال کردن نقش سلسله‌مراتب اخلاقی است، زیرا با این سلسله‌مراتب می‌توان مشکلات ایجاد شده و غیر قابل حل از چشم‌انداز اخلاقی مسطح و یکنواخت پست‌مدرنیسم را برطرف کرد چرا که ساختارشکنی اخلاقی همچون یک دیوار آجری است که نه خود حرکت می‌کند و نه می‌توان چیزی را در آن حرکت داد. با احیای سلسله‌مراتب اخلاقی، سرانجام می‌توانیم از موانعی عبور کنیم که پست‌مدرنیسم تعیین

1. Metamodernist sociology
2. Dynamic Evolutionary Psychology
3. Universality
4. Moral hierarchy
5. Damico

کرده است؛ موانعی که از پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، شخصی و سیاسی پیشگیری می‌کند و کاری جز گیرانداختن ما در باتلاق انجام نمی‌دهد (دامیکو، ۲۰۱۷).

**۵. اصالت اخلاقی داشتن:** ظهور اخلاقیات روزمره، یعنی نظام اخلاقی اصیل، صداقت آشکار و پاکی از ویژگیهای بارز متامدرنیسم است. اخلاقی که در آن امر کلی با امر معمولی ترکیب می‌شود و صداقت واقعی بر امر عمومی برتری پیدا می‌کند. بنابراین مدیریت ساختارهای اخلاقی از ایده‌های متافیزیکی الزام جهان بالا نیست، بلکه از معنای وجود در جهان پایین به‌مثابه یک ارزش جهانی و درحکم شکلی از فهم خارج از خطی بودن زمانی است (شابنوا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

**۶. گرایش به محبت و مراقبت داشتن:** اندیشمندانی همچون دومیترسکو (بالم)<sup>۲</sup> سخن از پویایی متامدرنیسم به‌سبب توجه به «اخلاق مراقبت از دیگری»<sup>۳</sup> و «ارتباط متقابل»<sup>۴</sup> به میان آوردند و امکان درک ماهیت پدیده‌های فرهنگی و ادبی معاصر را در پیوند و بازنگری مستمر آنها در نظر گرفتند (دومیترسکو، ۲۰۱۶). متامدرنیستها برای از بین بردن انزوای حاصل از اخلاقیات پست‌مدرنیسم، سعی می‌کنند با گسترش چتر اخلاق محبت و مراقبت از دیگری، به‌نوعی برای خود جهانی بهتر بسازند. به این مفهوم که برخورداری از اخلاق محبت و مراقبت علاوه بر یاری کردن دیگران، در ساختن محیطی امن‌تر و بهتر برای خود هم مفید است، از این رو افرادی برخوردار از طبقات اجتماعی بالاتر با افراد طبقات پایین‌تر از طریق اخلاق محبت و مراقبت معاشرت می‌کنند.

بر اساس ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چه استنتاجهایی در اهداف، اصول، روشهای تربیت اخلاقی می‌توان به‌دست آورد؟

با توجه به ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم اکنون می‌توان با استفاده از روش استنتاجی از نوع پیش‌رونده به اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی دست‌یافت. بنابراین برای تربیت انسانی برخوردار از اخلاق متامدرنیستی طبق ویژگیهای ذکر شده برای اخلاق در متامدرنیسم باید علاوه بر ذکر مبانی تربیتی اخلاق در متامدرنیسم به استخراج اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی نیز پرداخت.

### ◎ مبانی تربیت اخلاقی در متامدرنیسم

پژوهشگر با توجه به ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم، در نهایت از طریق استنتاج به این نتیجه می‌رسد که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مبتنی بر مبانی تربیتی سه‌گانه زیر است:

**۱. رویکردهای سنتی تربیت اخلاقی، قطبی مؤثر در تربیت اخلاقی متامدرنیسم است:** در تشریح و تأیید این مبنا با توجه به نظریات اندیشمندان متامدرنیست مبنی بر نوسان متامدرنیسم

1. Shabanova
2. Balm
3. An ethics of care
4. Interconnection

میان قطب‌های مدرن و پست‌مدرن که ایجاد نوعی تعادل به سبب نوسان میان این قطبها را به همراه دارد (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰) و همچنین با توجه به اصل تناقض در متامدرنیسم (آبرامسون، ۲۰۱۵)، می‌توان استنتاج کرد که متامدرنیسم در زمینه‌های گوناگون، از جمله اخلاق به سبب نوسان به فعال کردن رویکردهای سنتی تربیت اخلاقی می‌پردازد و در پاسخدهی به موقعیتهای اخلاقی جدید از رویکردهای تربیت اخلاقی سنتی استفاده می‌کند. بنابراین در تربیت اخلاقی متامدرنیسم رویکردهای تربیت اخلاقی گذشته هم مؤثرند و هم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

**۲. محبت و مراقبت<sup>۱</sup> اساس تربیت اخلاقی در متامدرنیسم است:** از آن جا که در نظر متامدرنیستها محبت و مراقبت عاملی برای ساختن یک کلیت است (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، پژوهشگر استنتاج کرده است که تحقق ساخت یک وحدت<sup>۲</sup> و کلیت در متامدرنیسم منوط به تربیت افرادی با ویژگی اخلاقی محبت و مراقبت است. بنابراین نتیجه استنتاج<sup>۳</sup> پژوهشگر به پایه و اساس بودن محبت و مراقبت در تربیت اخلاقی ختم شده است.

**۳. تربیت اخلاقی<sup>۴</sup> در متامدرنیسم مبتنی بر امید<sup>۵</sup> است:** واکاوی اخلاق در متامدرنیسم، مبنی بر اینکه حرکت در فضای متامدرنیسم در حاله‌ای از ابهام صورت می‌گیرد ولی امید و شوق به یافتن یا دستیابی به هدفی که دور از دسترس است (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰)، مانع از عدم‌تحرک می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه رویکرد «گویی» برای ختم‌شدن به بهبود اخلاقی و سیاسی طراحی شده است و در واقع «نوع بشر، مردمی‌اند که اگر چه به سمت یک هدف طبیعی و ناشناخته حرکت نمی‌کنند، اما وانمود می‌کنند که این کار را انجام می‌دهند تا هم از نظر اخلاقی و هم از نظر سیاسی پیشرفت کنند» (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵). پژوهشگر را به این استنتاج رسانده است که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم برای رها کردن خود از دام نخوت و انزوای<sup>۶</sup> حاکم بر پست مدرنیسم مبتنی بر امید و شوق به یافتن موقعیتی مطلوب است.

## © اهداف تربیت اخلاقی<sup>۷</sup> در متامدرنیسم

**۱. هدف غائی<sup>۸</sup>:** پرورش انسانی تلاشگر در فضای انزوای پست‌مدرن: با توجه به هدف نهایی متامدرنیسم به منزله ادامه پیشرفت تمدن بشریت پس از انزوای دوران پست‌مدرنیسم (دامیکو، ۲۰۱۷)

1. Kindness & Care
2. Unity
3. Inference
4. Moral education
5. Hope
6. Isolation
7. The Goals of Ethics Education
8. The Ultimate Goal

می‌توان به این نتیجه دست یافت که هدف غائی تربیت اخلاقی در متامدرنیسم، پرورش فردی تلاشگر در فضای انزواگر پست‌مدرن است.

## ۲. اهداف واسطی

۱-۲. پرورش فردی برخوردار از اخلاق مسئولیت‌پذیری<sup>۱</sup>: اگر فرهنگ متامدرنیسم، مفاهیم اخلاقی بازسازی<sup>۲</sup>، اسطوره‌ای<sup>۳</sup> و متاکسی (قطبهای متضاد) زیباشناسی را جانشین احکام ساختارشکن، غیرمنطقی و تقلیدی<sup>۴</sup> زیباشناختی می‌کند و تمرکز خود را به‌جای جزم‌گرایی بر گفتگو استوار می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۲)، یا اگر متامدرنیسم با وجود رنگی از رمانتیسیسم ناگوار، با وجود شکستی اجتناب‌ناپذیر، برای حرکت، تلاش می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵)، در واقع در پی خروج از بی‌تفاوتی پست‌مدرن است. بنابراین از این مفاهیم، این نتیجه حاصل می‌شود که رویکرد تربیت اخلاقی متامدرن، مسئولیت‌پذیری را به‌منزله یک هدف واسطی پیگیری می‌کند.

۲-۲. پرورش فردی آگاه از ریشه‌ها در فضای متکثر پست‌مدرن: اگرچه پست‌مدرن در فضای انزواگر خود، افراد را در کشرتهای مختلف غرق کرده است ولی متامدرن در پی جبران این ضایعه از طریق آشنایی با ریشه‌ها و تعریف بنیاد هستی است (دومیترسکو، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی آگاه از ریشه‌ها<sup>۵</sup> و بنیادهای هستی و قادر به بازتعریف این مفاهیم، برای آزادی از چنگال بی‌هویتی پست‌مدرن است.

۳-۲. پرورش فردی با تعصبات موقعیتی<sup>۶</sup>: «آرمان‌گرایی عملگرایانه» متامدرنیسم (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵) که دوری از تعصب و ساده‌لوحی مدرن و نیز شک و بی‌تفاوتی پست‌مدرن را به‌همراه دارد، پژوهشگران را به این نتیجه می‌رساند که سومین هدف واسطی که در تربیت اخلاقی متامدرنیسم مورد توجه قرار می‌گیرد، داشتن تعصبات موقعیتی است. یعنی برای برخورداری از مجموعه‌ای از موضعهای اخلاقی برای استفاده در موقعیتهای اخلاقی متفاوت، نمی‌توان نسبت به مواضع اخلاقی گوناگون تعصب دائم داشت چرا که این تعصب مانع از انتخاب موضعی صحیح می‌شود. همچنین، متناسب با موقعیتهای اخلاقی به‌وجودآمده، باید از بی‌تفاوتی هم دوری کرد و داشتن نوعی تعصب موقعیتی، برای گذر از بحرانهای اخلاقی دوران پست‌مدرن، مورد نیاز است.

1. Ethics of responsibility
2. Reconstruction
3. Myths
4. Pastiche
5. Roots
6. Situational fanaticism

۴-۲. **پرورش فردی دارای قدرت خلاقیت<sup>۱</sup>**: متامدرنیسم از طریق نوسان، به‌گونه‌ای جدید به بازسازی ساختارهای مدرن در فضای پست‌مدرن می‌پردازد (ورمولن و وندن‌آکر، ۲۰۱۰). این بازسازی به‌گونه‌ای خلاقانه برای گذر از مشکلات جدید، انجام می‌شود. بنابراین برای چهارمین هدف واسطی در تربیت اخلاقی متامدرنیسم می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی با توانایی خلاقیت است. یعنی فرد تربیت شده در رویکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، قادر است با ترکیب ویا بازخوانی مواضع اخلاقی مدرن، به‌نحو خلاقانه‌ای مواضع اخلاقی جدیدی برای گذر از تنگناهای اخلاقی پست‌مدرنیسم ارائه کند.

۵-۲. **پرورش انسانی مددکار<sup>۲</sup>**: همانگونه که متامدرنیسم با مبنای محبت و مراقبت از خود و دیگران، در پی کلیت‌سازی از جامعه گسسته پست‌مدرن است (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، به‌منزله پنجمین هدف واسطی، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی با اخلاق مددکاری است.

۶-۲. **پرورش فردی با قدرت اراده<sup>۳</sup> در انتخاب**: در واکاوی اخلاق متامدرنیستی بیان شد که فرد متامدرنیست همیشه در فضایی مبهم به سمت اهدافی دور از دسترس حرکت می‌کند (ورمولن و وندن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵). از این نکته استنتاج می‌شود که ادامه حرکت بسته به داشتن قدرت اراده در انتخاب، برای تصمیم‌گیری است. بنابراین برخورداری از قدرت اراده در انتخاب به‌منزله پنجمین هدف تربیت اخلاقی متامدرنیسم در نظر گرفته می‌شود.

۷-۲. **پرورش فردی همدل<sup>۴</sup> با دیگران**: از بیان ویژگی رشد و توسعه مرحله‌ای (فریناخت، ۲۰۱۷) برای اخلاق در متامدرنیسم، می‌توان استنتاج کرد که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم به‌دلیل عدم تمسخر دیگران، در پی پرورش فردی همدل با دیگران است. بنابراین، وضعیت اخلاقی افراد به‌عنوان یک ساختار مرحله‌ای در نظر گرفته می‌شود که افراد در این ساختار، فقط دارای تفاوت رتبه‌اند و با گذشت زمان، افراد، رتبه‌های بالاتر را درک می‌کنند. بنابراین وضعیتی این‌گونه، مستحق خودبرتری نیست، بلکه مستحق انتظار است.

۸-۲. **پرورش فردی معیارپذیر**: بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی، همچون پست‌مدرنیستها از ساختارشکنی سلسله‌مراتبی که اعتبار اخلاقی با آن سنجیده می‌شود، حمایت می‌کنند (دامیکو، ۲۰۱۷). اما متامدرنیسم به احیای نقش سلسله‌مراتب<sup>۵</sup> می‌پردازد. بنابراین می‌توان استنتاج کرد که متامدرنیسم، از طریق معتبر دانستن نقش سلسله‌مراتبی، درصدد دستیابی به معیارهایی برای

1. Creativeness
2. Helper
3. Willful
4. Empathy
5. Hierarchy

تعیین اعتبار اخلاقی در موقعیتهای گوناگون است. در نتیجه تربیت اخلاقی در متامدرن، پرورش افرادی معتقد به معیارها را به عنوان یک هدف واسطی پیگیری می کند.

## ◎ اصول تربیتی اخلاق در متامدرنیسم

● **مبنای اول: رویکردهای سنتی تربیت اخلاقی، قطبی مؤثر در تربیت اخلاقی متامدرنیسم است.**

۱. **اصل تربیتی تناسب اخلاقی:** از آن جا که هدف تربیت اخلاقی متامدرنیسم برای برون رفت از انزوای پست مدرن، پرورش روحیه مبارزه با تأثیرات فرهنگی اندیشه پست مدرن بر تعاملات اجتماعی، تلاشهای هنری و فرایندهای فکری است (دامیکو، ۲۰۱۷) و همچنین با توجه به هدف واسطی پرورش افرادی برخوردار از تعصبات موقتی، می توان تناسب اخلاقی را به منزله نخستین اصل تربیت اخلاقی در متامدرنیسم ارائه کرد. طبق این اصل تربیتی، باید به تربیت انسانی پرداخته شود که قادر باشد ابعاد اخلاقی پست مدرنیستی، مدرنیستی و پیشامدرن (رمانتیسم، روشنگری) را در موقعیتهای اخلاقی متفاوت برای داشتن مواضع اخلاقی متناسب با ادامه مسیر رشد و پیشرفت به کارگیرد تا توانایی به حرکت درآوردن تمدن و فرهنگ به سمت پیشرفت را داشته باشد.

۲. **اصل تربیتی ساخت معنا:** پس از نگرش کنایه آمیز پست مدرنیسم که به نهیلیسم انجامید و با توجه به هدف واسطی پرورش افرادی بهره مند از خلاقیت، باید به تربیت انسانی پرداخته شود که برای ساختن معنا و حقیقت تلاش کند. بنابراین می توان ساخت معنا را به عنوان یک اصل تربیتی در متامدرنیسم ارائه داد. طبق این اصل باید به تربیت انسانی پرداخت که با بیانی صادقانه به منزله واقعی ترین تجلی متامدرنیسم، بتواند بدبینی و کنایه پست مدرن را به چالش بکشد و با تجلی صداقت در خود بتواند بازگشت به جنبشها و روندهایی مانند رمانتیسیسم را محقق سازد. این امر از راه ترکیب اخلاق کنایه آمیز پست مدرن و اخلاق صداقت - محور مدرنیسم به منظور تشکیل طنزی مشتمل بر صداقتی جدید و متفاوت از پست مدرنیسم، محقق می شود. متامدرنیستها به اخلاقی غیر از اخلاق طعنه آمیز فکر می کنند. بنابراین اگر چه می دانند همه چیز مبهم و پیچیده است اما باتکیه بر صداقت جدید به تلاش خود ادامه می دهند. به عبارت دیگر این اصل، اخلاق انسانهای تربیت شده بعد از پست مدرنیسم را توصیف می کند. به این معنا که متامدرنیستها می خواهند با وجود تأثیرات پست مدرن بر هنر، تفکر و اخلاق ما به صداقت و امید برای پیشرفت و گشایش در مشکلات بازگردند.

1. Ethical appropriateness
2. Making meaning

۳. **اصل تربیتی اصالت - محوری**<sup>۱</sup>: با توجه به هدف واسطی پرورش فردی آگاه از ریشه‌ها در فضای متکثر پست‌مدرن و همچنین توجه به تلاش متامدرنیسم برای تعریف ریشه‌ها و بنیاد هستی (دومیترسکو، ۲۰۱۶) می‌توان نتیجه گرفت که سومین اصل تربیتی اخلاق در متامدرنیسم، اصالت - محوری است. بنابراین، طبق این اصل باید به تربیت انسانی پرداخته شود که قادر به تعریف ریشه‌ها و بنیاد هستی باشد چرا که باید از طریق قالب‌های معنایی جدید و تشکیل ساختاری واحد از گرفتاری در اخلاق متلاشی شده دوران پست‌مدرنیسم دور شود. در واقع تربیت اخلاقی در متامدرنیسم از طریق این اصل تربیتی در پی حد وسط مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بودن نیست، بلکه در پی ایجاد اصالتی مخصوص به خود است که آن را از طریق بازنگری سنتها و برقراری گفتگویی مداوم با پارادایم‌های فکری قدیمی‌تر محقق می‌سازد. بنابراین عملکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، تربیت افرادی قادر به خنثی‌سازی رد مدرنیستی سنتها و فروپاشی طعنه‌آمیز پست‌مدرن است.

#### ● **مبنای دوم: محبت و مراقبت اساس تربیت اخلاقی در متامدرنیسم است.**

۱. **اصل تربیتی مراقبت**: از بیان هدف واسطی پرورش انسانی مددکار و همچنین تلاش متامدرنیسم برای گذر از مرزهای طبقاتی (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، می‌توان نتیجه گرفت که متامدرنیسم از مراقبت به‌منزله یک اصل در تربیت اخلاقی بهره می‌گیرد. بنابراین طبق این اصل باید انسانی تربیت کرد که بتواند از مرزهای طبقاتی و ایجاد اخلاقی از همدلی و مراقبت گذر کند، به‌گونه‌ای که سبب به چالش کشیده شدن شرایط اجتماعی برای گذر از مرزهای طبقاتی شود. در واقع طبق این اصل تربیتی، افراد باید به محبت‌هایی ساده همچون همدلی و مراقبت بازگردند، چرا که این افراد می‌توانند از طریق اخلاق محبت و مراقبت در نقش از بین برنده تفاوتها و فاصله‌ها ظاهر شوند. در نتیجه این اخلاق می‌توان جامعه متکثر و فروپاشیده پست‌مدرنیسم را با وجود همه مشخصات آن به یک کل واحد تبدیل کرد. به‌همین دلیل در جامعه اخلاقی متامدرن همه اقشار جامعه در همه طبقات با یکدیگر از طریق اصل همدلی و مراقبت مرتبط می‌شوند. این ارتباط به سبب اخلاق همدلی از مشکلات می‌کاهد، بنابراین وجود اجتماعی با مشکلات اخلاقی کمتر سبب برخورداری از زندگی بهتر برای تک‌تک افراد می‌شود. اصل همدلی یک وظیفه است که همه افراد از آن سود می‌برند و نمی‌توان آن را یک دلسوزی از روی ترحم و یا یک کمک ایثارگرانه در نظر گرفت. این اصل دارای عملکردی دو جانبه است و در آن محبت‌کننده و محبت‌گیرنده ارزش یکسانی دارند، چرا که هر دو برای وجود یک جامعه اخلاقی بهتر عمل می‌کنند.

#### 1. Axial authenticity

**۲. اصل تربیتی صمیمیت فناورانه:** فروپاشی فاصله‌ها از ویژگی‌های بارز متامدرنیسم در عصر اینترنت است (آبرامسون، ۲۰۱۵). اینترنت با از بین بردن مرزهای جغرافیایی و محدودیت‌های مسافتی سبب نزدیک شدن همه جوامع به یکدیگر شده است به گونه‌ای که احساس فروپاشی همه فاصله‌ها میان جوامع به شدت در حال گسترش است. این فناوری افراد مناطق گوناگون جهان را تحت پوشش قرار داده است و نوعی اخلاق همبستگی و صمیمیت را در میان جوامع مختلف ایجاد کرده است. حضور این فناوری، تربیت اخلاقی مخصوص به خود را ضرورت بخشیده است. با توجه به این ویژگی و تحت مبنایی که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که صمیمیت فناورانه، می‌تواند به‌عنوان یک اصل تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مطرح باشد. طبق این اصل تربیتی، در متامدرنیسم که متعلق به عصر اینترنت است، باید به تربیت افرادی آشنا به فناوری اطلاعات و ارزشهای جامعه اینترنتی پرداخته شود، زیرا فناوری اینترنت سبب تشکیل یک جامعه مربوط به فناوری اطلاعات<sup>۲</sup> شده است که زندگی در این جامعه را نیازمند کسب اخلاق مخصوص به خود کرده است. در نتیجه، این اصل به تربیت افرادی می‌پردازد که ضمن مشارکت در فروپاشی فاصله‌های اخلاقی، به‌ویژه فاصله میان اخلاقیات به‌نظر متضاد، به بازسازی حسی از تمامیت اخلاقی می‌پردازد. طبق این اصل تربیتی، افراد باید از محیط اخلاقی پیرامون خود فراتر روند و با هدف ایجاد تغییرات مثبت اخلاقی در جوامع و جهان به سمت پیشرفت اخلاقی حرکت کنند.

**۳. اصل تربیتی توسعه مرحله‌ای:** متامدرنیستها برای رشد و توسعه مرحله‌ای، ارزش قائل‌اند در حالی که پست‌مدرنیستها به‌سبب ارزشهای پست‌مدرنیستی همه چیز را نقد و تخریب می‌کنند (فریناخت، ۲۰۱۹). همچنین متامدرنیسم در پی بازگرداندن نقش سلسله‌مراتب است (دامیکو، ۲۰۱۷). با توجه به این ویژگیها می‌توان نتیجه گرفت که متامدرنیسم در تربیت اخلاقی به اصل تربیتی توسعه مرحله‌ای معتقد است. طبق این اصل، در تربیت اخلاقی متامدرنیسم افرادی تربیت می‌شوند که دیدگاه تکاملی به اخلاق داشته باشند. بنابراین تربیت اخلاقی متامدرنیسم به بازسازی سلسله‌مراتب اخلاقی به‌منزله ملاک سنجش اعتبار اخلاقی می‌پردازد. این اصل تربیتی سبب تعدیل قضاوت‌های اخلاقی می‌شود، چراکه برای اخلاق، سیری تکاملی در نظر می‌گیرد و افراد را از نظر اخلاقی در دوره‌های مختلف قرار می‌دهد. بنابراین در اخلاق متامدرنیستی با این دیدگاه، اخلاقیات همه اقوام و جوامع قابل احترام و تنها از نظر زمانی نسبت به یکدیگر دارای تقدم و تأخرند. با استفاده از این اصل متامدرنیسم به تربیت انسانهایی می‌پردازد که با در نظر گرفتن سلسله‌مراتبی بودن اخلاق، می‌توانند برای حل مسائل اخلاقی ایجاد شده از چشم‌انداز یکنواخت اخلاقی پست‌مدرنیسم اقدام کنند تا به سبب احترام و محبت به یک کلیت دست پیداکنند.

1. Technological sincerity
2. Information Technology
3. Staged development

## ● مبنای سوم: تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مبتنی بر امید است.

۱. اصل تربیتی دلخوشی احتمالی<sup>۱</sup>: حرکت در فضای متامدرنیسم در هاله‌ای از ابهام صورت می‌گیرد. همچنین، متامدرنیسم از رویکرد «گویی» استفاده می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵)، بنابراین از این دو ویژگی می‌توان اصل دلخوشی احتمالی را به دست آورد. طبق این اصل، باید انسانی تربیت شود که دارای احساس توانمندی برای پیشرفت در داشتن جهانی بهتر با وجود طبیعت آشفته پست‌مدرن، با تکیه بر ایده‌آلیسم منفی کانت باشد به گونه‌ای که با یک دلخوشی احتمالی فرض می‌کند که می‌تواند برای پیشرفت در امر اخلاق وانمود کند که به سمت اهدافی طبیعی اما ناشناخته حرکت کند. برخورداری از این اخلاق سبب خارج شدن انسان از انزوای اخلاقی پست‌مدرن می‌شود.

۲. اصل تربیتی روایت‌های بزرگ<sup>۲</sup>: متامدرنیسم با احیای فراروایت‌ها با بحران‌های پست‌مدرنیسم مقابله می‌کند (آبرامسون، ۲۰۱۵). با توجه به این ویژگی و مبنای امید، می‌توان برای تربیت اخلاقی متامدرنیسم، اصل تربیتی روایت‌های بزرگ را به دست آورد. طبق این اصل باید به تربیت اخلاقی انسانی پرداخته شود که برای چیرگی بر فرابحران‌های اخلاقی به وجود آمده در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی با بهره‌گیری از روایت‌های بزرگ تخریب شده از سوی پست‌مدرن به تقابل با این بحران‌ها برود، با این تفاوت که متامدرن، معتقد به روایت‌های بزرگ اخلاقی جزمی و ثابت نیست، بلکه به تناسب، این روایت‌های اخلاقی را مورد تجدید نظر قرار می‌دهد تا خود مانعی در برابر پیشرفت و جریان‌های اخلاقی نباشد.

## ◎ روش‌های تربیتی اخلاق در متامدرنیسم

۱. روش ترکیب<sup>۳</sup>: با توجه به اثبات ویژگی ترکیبی بودن منطق‌های فکری هزاره سوم، از جمله متامدرنیسم می‌توان برای تربیت اخلاقی در متامدرنیسم روش ترکیب را به دست آورد. طبق این روش دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه از ترکیب مواضع اخلاقی مدرن و پست‌مدرن به مواضع اخلاقی جدیدی دست‌یابند تا به نحوی موثر بتوانند بر مشکلات پیچیده و چند وجهی هزاره سوم چیره شوند. مثلاً در این روش دانش‌آموزان با حضور در اماکن مقدس و سنتی چون کلیسا علاوه بر حضور در سنت و مدرن با اضافه کردن چندین نوع مراسم و اجرای آن در حواشی کلیسا سعی می‌کنند مفهوم قداست تک‌بعدی کلیسا را به سمت یک مکان گردشگری گسترش دهند تا از این ترکیب، نوعی رونق در بازار کلیسا ایجاد کنند. همچنین در مثالی دیگر دانش‌آموزان سعی می‌کنند با طراحی

1. Possible happiness
2. Grand narratives
3. Combination method

انتقادات نسبت به تخریب محیط زیست در یک نمایش کم‌دی، این انتقادات کنایه‌آمیز را با دیالوگ‌های متفاوت آغشته به نوعی صداقت به نوعی طنز تبدیل کنند تا بینندگان بیشتری را برای خندیدن به خود جلب کند و در عین حال وضعیت تخریب محیط زیست را هم بیان کنند.

**۲. روش نسل‌نویسی (شجره‌نویسی):** با توجه به اصل تربیتی اصالت-محوری، همچنین ویژگی فروپاشی فاصله‌ها در متامدرنیسم، می‌توان روش نسل‌نویسی را به‌دست‌آورد. دانش‌آموزان با این روش سعی می‌کنند که فردگرایی و فروپاشی نسلها را در پست‌مدرن جبران کنند. دانش‌آموزان با طراحی کردن نموداری از اجداد و پدران خود در صدد آشنایی با هویت نسلی خود قرار می‌گیرند و از این طریق با بررسی خاطرات و وقایع موجود در مورد اجداد خود با اخلاقیات مشترک نسل خود آشنا می‌شوند. این روش پس از اخلاق انزوای پست‌مدرن به دانش‌آموزان اصالت اخلاقی جدید می‌بخشد تا آنها به ریشه‌های اخلاقی خود در جهان پی ببرند و با گسترش این روش آنها بتوانند ریشه‌های دیگر هستی را بشناسند و در جهان بدون ریشه پست‌مدرن به ریشه‌های اصالتی اخلاقی خود بازگردند.

**۳. روش همکاری:** با توجه به اصل تربیتی مراقبت و همچنین با در نظر گرفتن هدف واسطی مددکاری می‌توان روش همکاری را برای تربیت اخلاقی در متامدرنیسم به‌دست آورد. در این روش همه اقشار جامعه از فقیر و غنی گرفته تا دانشگاهی و کم‌سواد سعی می‌کنند به یکدیگر کمک کنند. همه این اقشار در نظافت شهر در کنار پاکبانان قرار می‌گیرند و برای حفظ امنیت شهر در کنار پلیس قرار می‌گیرند. در این روش دانش‌آموزان می‌آموزند که اخلاق وفاق‌آفرین را با همدلی و همکاری محقق کنند تا مرزهای جامعه تکه‌تکه شده پست‌مدرن را به واسطه روش همکاری با اصل همدلی کمرنگ و به یک کلیت اخلاقی دست پیدا کنند.

**۴. روش حضور شناسنامه‌ای:** این روش از اصل تربیت اخلاقی صمیمیت فناورانه به‌دست می‌آید. طبق این روش دانش‌آموزان در فضای مجازی با نام و هویت شناسنامه‌ای خود حضور پیدا می‌کنند تا واقعیت و مجاز را ادغام کنند. با این روش همه افراد را افرادی در فضای مجازی احاطه می‌کنند که دارای هویت واقعی‌اند و این به تقویت اعتماد و بهره‌گیری از فضای مجازی و دیجیتال ختم می‌شود. با این روش همه اسامی متعلق به فرهنگهای گوناگون و دارای مرزهای جغرافیایی مختلف کنار هم قرار می‌گیرند و نوعی اخلاق کلیت‌ساز فناورانه با صمیمیت فناورانه و روش حضور شناسنامه‌ای ایجاد می‌شود.

**۵. روش تاریخ‌نگری:** این روش از اصل تربیت اخلاقی توسعه مرحله‌ای به‌دست می‌آید. طبق این روش دانش‌آموزان با مراجعه به کتابهای تاریخی با روند تکاملی وجودی و اخلاق بشریت آشنا می‌شوند. این آشنایی سبب می‌شود ضمن ایجاد نوعی اشتراک اخلاقی، اخلاق پست‌مدرنی طعنه‌گر

1. Genealogical method
2. Cooperation
3. Attendance with a birth certificate
4. History reading



## ■ نتیجه گیری ■

یافته‌های این پژوهش مشخص نمود که متامدرنیسم، اخلاق را مجموعه‌ای ثابت از قواعد در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را روندی سیال و وابسته به زمینه می‌داند که در آن از پذیرش «نوسان میان مدرنیته و پسامدرنیته» و «تضادهای روحی» به درک اخلاق به‌منزله امری پویا و پیچیده می‌پردازد. در واقع اخلاق در متامدرنیسم از تلاقی میان «عقلانیت و احساسات»، «واقع‌گرایی و ایده‌آلیسم» و «تکنگری و نسبی‌گرایی» شکل می‌گیرد که دربردارنده عناصر عینی، نسبی‌گرایانه و احساسی است. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی متامدرنیسم ارائه شده است که زمینه افزودن یک رویکرد تربیت اخلاقی جدید به حیطه رویکردهای تربیت اخلاقی در هزاره سوم را فراهم نموده است. همچنین، یافته‌های این پژوهش، علاوه بر شناخت ویژگیهای اخلاقی حال حاضر قسمتی از جهان، به گسترش دامنه نظری متامدرنیسم نیز انجامیده است. در واقع این پژوهش می‌تواند به پژوهشگران و مسئولان تربیتی کشور، برای چیره شدن بر بحرانهای ایجاد شده بر اثر تداخل تجدد و سنت در نظام آموزشی کشور کمک کند. در پایان یادآور می‌شود که نویسندگان این پژوهش معتقدند که مطالعه و گسترش نتایج این پژوهش، می‌تواند برای پژوهشگران داخلی و خارجی قابل استفاده و مفید باشد. در ضمن سرآغازی است برای تدوین فلسفه تعلیم و تربیت نوین، برنامه درسی پیشرفته، آموزش فناورانه در هزاره سوم، طراحی آموزشی و سایر رشته‌های علوم تربیتی.

آهنچیان، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف. (۱۳۹۰). نشانه‌های مدرنیته در نظام آموزش و پرورش ایران. مهندسی فرهنگی، ۵ (۵۳ و ۵۴)، ۸-۲۶.

رضایی، مهدی. (۱۳۹۱). چیستی‌شناسی روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۱۵)، ۲۹-۵۳.

- Abramson, S. (2015). *Ten basic principles of metamodernism*. HuffPost. <https://www.huffpost.com/entry/ten-key-principles-in-metb7143202>
- Allen, A. F. (2021). *After postmodernism: Ethical paradigms in contemporary American fiction*. (Doctoral dissertation, Ludwig-Maximilians-Universität, München).
- Bourriaud, N. (2009). *Altermodern*. Tate Triennial 2009. London: Tate Publishing.
- Camplin, T. (2020). Metamodernism and morality. *Medium*. Available at: <https://medium.com/complexity-liberalism/metamodernism-and-morality-597d8f8a51d9> (Accessed 27 May 2022).
- Damico, P. (2017). *An introduction to metamodernism. Against professional philosophy*. Available at: <https://againstprofphil.org/2017/04/24/an-introduction-to-metamodernism>
- Dumitrescu, A. (2016). What is metamodernism and why bother? Meditations on metamodernism as a period term and as a mode. *Electronic Book Review*, 4.
- Fein, E. (2020). Hanzi Freinacht (2017). The listening society: A metamodern guide to politics (Book One). *Metamoderna ApS. Integral Review*, 16(2).
- Freinacht, H. (2019). *Nordic ideology: A metamodern guide to politics* (Book Two). *Metamoderna ApS*.
- Kılıçoğlu, G., & Kılıçoğlu, D. Y. (2020). The birth of a new paradigm: Rethinking education and school leadership with a metamodern 'lens'. *Studies in Philosophy and Education*, 39(1). <https://doi.org/10.1007/s11217-019-09690-z>.
- Kunze, P. (Ed.). (2014). *The films of Wes Anderson: Critical essays on an Indiewood icon*. Palgrave Macmillan.
- Lipovetsky, G., & Charles, S. (2005). *Hypermodern times*. Cambridge: Polity Press.
- Moraru, C. (2011). *Cosmodernism: American narrative, late globalization, and the new cultural imaginary*. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- Nealon, J. T. (2012). *Post-postmodernism: Or, the cultural logic of just-in-time capitalism*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Peterson, J. (2018). *Metamodernism and the IDW*. [www.reddit.com](http://www.reddit.com).
- Shabanova, Y. O. (2020). Metamodernism man in the worldview dimension of new cultural paradigm. *Anthropological Measurements of Philosophical Research*, 18, 121-131. <https://doi.org/10.15802/ampr.v0i18.221402>
- Turner, L. (2011). *Metamodernist // Manifesto*. URL: <http://www.metamodernism.org>.
- Vermeulen, T., & van den Akker, R. (2010). Notes on metamodernism. *Journal of Aesthetics & Culture*, 2(1), Article 5677. <https://doi.org/10.3402/jac.v2i0.5677>

## Morality in Metamodernism and its Implications for Morality Education

M. Zabaandaan<sup>1</sup> © M. H. Mirzamohammadi, Ph.D.<sup>2\*</sup> © M. Farmahini Faraahaani, Ph.D.<sup>2</sup>

### Abstract

In order to clarify the principles and methods of moral education from a metamodernistic perspective, it was deemed necessary to explore this perspective first. To do so, initially a systematic review of experts' opinions on morality in metamodernism was undertaken, and then their educational implications were derived. The initial stage of the study yielded six characteristics for morality which are being: composite, structured, diverse yet centered, actively hierarchical, original, and care oriented. It appears that the ultimate goal in metamodernistic approach to moral education is the development of an active person within the isolationist atmosphere of the postmodern era, and as such includes eight mediating objectives along with eight principles and seven methods for moral education.

**Keywords:** Metamodernism, morality, morality education, educational objectives, educational principles and methods

**Date Received:** Oct. 15, 2022

**Date Accepted:** April 14, 2023

*This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.*

1. Doctoral Graduate in Philosophy of Education, Shahed University, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.  
(Corresponding Author).

**E-mail:** mirzamohammadi@shahed.ac.ir

2. Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.